



واتسلا و ہاول
ترجمہ فروغ پوریاوری

نامہ ہابی اولگا

در روزهای ۲۲ و ۲۳ اکتبر ۱۹۷۹ محاکمه شش زندانی امضاکننده مشهور ۷۷ که اعضای کمیته «دفاع از متهمان بی گناه» نیز بودند، در دادگاه شهرداری^۱ پراگ برپا شد.

هیئت قضات که ریاست آن را قاضی آنتونین کاشپار^۲ عهده دار بود، خواندگان را که از طریق جمع آوری، تکثیر و توزیع مطالب و اخبار مکتوب، هم در داخل جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی و هم در خارج، به براندازی جمهوری متهم شده بودند و طبق ادعای مستوجب تعقیب بودند، (به موجب فصل ۹۸، بخش فرعی ۱ و ۲، الف و ب قوانین جنایی) گناهکار دانست. دادگاه عمدتاً اطلاعات مندرج در ابلاغیه‌های «کمیته دفاع از متهمان بی گناه» را مد نظر قرار داد؛ یعنی اطلاعاتی در باب عملکرد ناعادلانه قضات (در جریان محاکمه‌ها و نیز در صدور حکم) در چکسلواکی آن روز.

هیئت قضات احکام زیر را صادر کرد:

| | |
|----------------------------|---------------------|
| اوتا بدناژووا ^۳ | سه سال حبس؛ |
| واتسلاو بندا ^۴ | چهار سال حبس؛ |
| یژی دیتسبیر ^۵ | چهار سال و نیم حبس. |

۱. Municipal Court: دادگاه شهرداری در حد محکمه خلاف یا شورای داوری است. - م.

2. Antonin Kaspar

3. Otta Bednarova

4. Vaclav Benda

5. Jiri Dienstbier

همه این احکام در دارالتأدیب دسته اول سپری خواهند شد.
 دانا نematسوا^۱ ۲ سال حبس؛ که تا ۵ سال قابل تعلیق خواهد بود.
 پتر اوهل^۲ ۵ سال حبس؛ که در دارالتأدیب دسته دوم سپری خواهد شد.

مقدمه

تجربه‌ای با ارزش و بی‌مانند به وجود آمده است. آموخته‌ایم به رخدادهای عظیم تاریخ جهان از پایین، از دید رانده‌شدگان، مظنون‌ها، آن‌ها که مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند، ضعیفان، ستم‌دیده‌ها، آن‌ها که مورد اهانت قرار گرفته‌اند؛ و خلاصه از دید آن‌هایی که رنج می‌برند... نگاه کنیم. باید یاد بگیریم برای کاویدن جهان، در اندیشه و در عمل، رنج انسان‌ها کاراتر و ثمربخش‌تر از کامیابی آن‌هاست. این دید از پایین نباید ملک طلق آن‌هایی باشد که همیشه ناراضی‌اند؛ بلکه باید با خشنودی عدالت را که بنیاد آن ورای هر چون‌وچرایی در باره «بالا» یا «پایین» است، در تمام جنبه‌های زندگی برقرار کنیم.

دیتریش بون‌هوفر^۱

ساعت پنج صبح روز ۲۹ مه ۱۹۷۹ پلیس امنیتی چکسلواکی بازداشت اعضای کمیته دفاع از متهمان بی‌گناه، معروف به وانس^۲ را آغاز کرد.

1. Dietrich Bonhoeffer
 2. Výbor na obranu nespravedlivě Stíhaných (VONS)

1. Dana Némacová

2. Petr Uhl

پانزده نفر دستگیر شدند و ده تن از آنها، از جمله واتسلاو هاول در زندان روزینه^۱ بازداشت شدند و بعد به موجب قوانین جنایی به «براندازی» — توطئه‌ای که اشد مجازات آن ده سال زندان است — متهم شدند.

وانس یک سال پیش از آن به عنوان نتیجه مستقیم منشور ۷۷ نهضت حقوق بشر چکسلواکی تشکیل شده بود و هدف آن طبق نخستین اطلاعیه رسمی «گزارش وضعیت کسانی بود که به دلیل بیان عقاید خود بازداشت و زندانی شده بودند یا مورد بدرفتاری و تجاوز پلیس و دادگاه‌ها قرار گرفته بودند». اعضای وانس اطلاعات را جمع‌آوری می‌کردند و گزارش‌های یافته‌هایشان را هم برای سازمان‌ها و نهادهای دولتی و هم برای مردم منتشر می‌کردند. تا هنگام بازداشت‌ها، ۱۵۵ گزارش از این دست منتشر شده بود. گزارش‌ها تنها مدرک محکم و دعوای دولت علیه وانس بود.

در فاصله اشغال پراگ از سوی اعضای پیمان ورشو در ۱۹۶۸ و انتشار منشور ۷۷ در ۱۹۷۷، چکسلواکی بحرانی فزاینده را تحمل کرده بود. دردهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نظام، دردهایی که بهار پراگ در عمر کوتاه خود سعی کرد درمانشان کند، به بیماری بومی تبدیل شده بود. یکی از نخستین و در عین حال بهترین توصیف‌ها از آن دوره، نامه سرگشاده واتسلاو هاول به پرزیدنت هوساک^۲ بود که در ۱۹۷۵ نوشته شد. این که هاول کاملاً انتظار داشت به دلیل نوشتن آن نامه دستگیر شود؛ از علایمی است که وضعیت آن دوره را نشان می‌دهد. (او ادعا می‌کند تا مدت‌ها بعد از آن، هر جا که می‌رفت یک کیف اضطراری شامل اشیایی مانند خمیردندان، سیگار و تیغ اصلاح با خود می‌برد تا چنانچه در خیابان دستگیر شد، چیزهایی با خود داشته باشد.)

1. Ryzný

2. Husák

دستگیر نشدن او هم یکی از علایم نشان‌دهنده وضعیت آن دوره‌وزمانه است. در سال‌های میانه دهه هفتاد، به نظر می‌آمد مقامات با روشنفکران متمرد به گونه‌ای منفی سازش می‌کنند؛ به بیان دقیق‌تر، آن‌ها را تحت تعقیب قرار نمی‌دهند و جرم‌های گاه‌به‌گاه آن‌ها، از قبیل نامه نوشتن به هوساک یا انتشار مطالب مختلف زیرزمینی چون پلتیسه^۱ یا ادلیتسه اکسپدیته^۲ هاول را تحمل می‌کنند. ظاهراً حتی توافقی ضمنی هم وجود داشت که نویسندگانی مانند هاول که در خارج هم شهرت داشتند، بتوانند به طبع و نشر آثارشان در خارج از کشور ادامه دهند و نمایشنامه‌های آن‌ها در کشورهای دیگر روی صحنه بروند، البته مشروط بر آن‌که درآمدشان را اعلام کنند و مالیات آن را بپردازند.

هیچ‌کس این شرایط را دوست نداشت و بیش‌تر از همه نویسندگان از این وضع ناراضی بودند زیرا احساس می‌کردند از آن‌ها مثل نمونه‌های در حال انقراض، «محافظت» مصنوعی می‌شود. اما هاول یکی از نخستین کسانی بود که این عقیده را مطرح کرد: نویسندگان فقط در صورتی می‌توانند به گونه‌ای مؤثر به بقیه کمک کنند که مانند دیگران آماده پذیرفتن همان مخاطرات باشند. در پی محاکمه‌ای در ۱۹۷۶ که طی آن چند نفر از هنرمندان و موسیقی‌دانان گروه موسیقی زیرزمینی چک عمدتاً به دلیل ترانه‌هایی که سروده و اجرا کرده بودند، به زندان محکوم شدند، هاول علناً آنچه را «دنیای اتکا به خروجی اضطراری»^۳ می‌نامید، رد کرد. منظور او «امتیاز»ی بود که او و همقطاران‌ش را به حال خود گذاشته بودند در حالی که دیگران که شهرت چندانی نداشتند، مورد تعقیب و آزار قرار می‌گرفتند.

1. Petlice

2. Edlice Expedice

3. Václav Havel, *The Trial* October 11, 1976. There is a translation of this essay in *Charter 77 and Human rights in Czechoslovakia* by 11. Gordon skilling (London: George Allen & Unwin, 1981). pp. 201-4.